

## واکاوی تطبیقی دلالت آیات قرآن کریم بر جامعیت دین اسلام بر پایه آرای مفسران شیعه و اهل سنت

\* ملیحه خدابنده لو<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

### چکیده

یکی از ویژگی‌های دین اسلام و باورهای بنیادی مسلمانان، جامعیت دین اسلام در بیان آنچه که مکلفین به آن احتیاج دارند تا قیام قیامت از نظر علم و عمل است که مورد توجه مفسران و قرآن پژوهان از گذشته تاکنون بوده است. آیات بسیاری از قرآن از جمله آیات فطرت، تصدیق، صدق و عدل به مسئله جامعیت دین اسلام نسبت به ادیان و شریعت‌های دیگر الهی می‌پردازد. در این مقاله به روش کتابخانه‌ای، تحلیلی و مقایسه‌ای به بررسی دیدگاه مفسرانی از شیعه چون طبرسی، علامه طباطبائی و جوادی آملی و مفسرانی از اهل سنت چون طبرانی و فخررازی در خصوص این آیات پرداخته و نظرات‌شان مورد تفقد قرار گرفته است. چنان که در تفسیر آیه مهیمن (آیه ۴۸ سوره مائده) نظرات مختلفی از جمله برتری و حاکمیت دین اسلام، امانتدار بودن قرآن، عدم تحریف قرآن و زنده کردن دیگر ادیان ارائه کرده‌اند؛ در آیه فطرت (آیه ۳۰ سوره روم) نظراتی چون کاملتر بودن قرآن، همسو با فطرت بودن، دین استوار و بدون انحراف بودن قرآن؛ و در آیه صدق و عدل (آیه ۱۱۵ سوره انعام)

۱ - ملیحه خدابنده لو، طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی (m.kh.lu1395@gmail.com)

نظراتی مانند کمال دین، تغییر ناپذیری دین، ظهور دعوت اسلامی، و واجب شدن قول پروردگار مذاقه شده است؛ با تأمل در نظرات مفسران فهمیده می‌شود همه نظرات بر برتری و جامع بودن اسلام بر دیگر ادیان تأکید دارند.

**واژگان کلیدی:** جامعیت، دین اسلام، علامه طباطبائی، جوادی آملی، فخررازی

## ۱- مقدمه

جامعیت دین اسلام از مهمترین مسائلی است که در دنیای کنونی مطرح می شود، و مفسران و اندیشمندان مسلمان با توجه به آیات قرآن کریم و روایات پیامبر و ائمه علیهم السلام و صحابه و تابعین در صدد اثبات آن می باشند. چراکه اثبات جامعیت و کاملیت دین اسلام نسبت به دیگر ادیان و شرایع الهی سبب برتری اسلام بر آن ادیان است، که به موجب آن گرایشات به کاملترین و جامع ترین دین بیشتر شده و تشنگان بسیاری سیراب خواهند شد. بنابراین در این مقاله بر آن شدیم تا به بررسی و اثبات جامعیت دین اسلام با استناد به آیاتی از قرآن کریم با توجه به نظر مفسران شیعه طبرسی، علامه طباطبائی جوادی آملی و مفسران اهل سنت طبرانی و فخررازی پرداخته تا برتری دین اسلام اثبات شود.

با توجه به اهمیت موضوع کتابها و مقالات بسیاری در این زمینه نوشته شده از جمله کتاب جامعیت و کمال دین، علی ربانی گلپایگانی، پژوهشی در نبوت و خاتمیت از محمد حسن قراملکی؛ کتاب آیات نبوت، محمد محمدیان؛ مقاله‌ی جامعیت دین از مهدی صالحی امیری، خاتمیت و جامعیت دین اسلام در آثار امام خمینی (قدس سره) از عزالدین رضائزاد؛ ولی هیچ یک از آثار به بررسی جامعیت شریعت اسلام از منظر آیات قرآن به صورت تطبیقی بین نظر علمای شیعه و اهل سنت نپرداخته‌اند. از آن رو در این مقاله به بررسی تطبیقی جامعیت دین اسلام در آیات قرآن از منظر علمای شیعه و اهل سنت پرداخته خواهد شد.

## ۲- مفهوم شناسی

### ۱-۲- جامعیت

جامعیت از ریشه «جمع» اشتقاق یافته است. واژه «جمع» که مصدر ثلاثی مجرد این ماده است، به جمع کردن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۸ / ۵۳) و پیوند اجزای یک چیز (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۱) معنا شده است.

اندیشمندان و صاحب نظران در مورد جامعیت و گستردگی دین، نظریات و تفسیرهای مختلفی ارائه داده‌اند که می‌توان آنها را در سه نظریه خلاصه کرد

۱- دین، جامع همه ی علوم و معارف بشری و بیان کننده ی همه ی مسائل نظری و عملی در سطح کلان و جزئی در عرصه های مختلف زندگی مادی و معنوی است و تعالیم آن انسان را از هر گونه تلاش فکری در شناخت خود، جهان و ابعاد مختلف زندگی بی نیاز می‌کند. (ایازی، ۱۴۲۰ق: ۵۹-۶۷)

۲- وظیفه ی دین، ارائه ی رهنمود برای رسیدن انسان به سعادت و کمال اخروی است، نه برای اداره ی جامعه و مسائل دنیوی؛ هم چنین جامعیت دین در این است که آنچه در هدایت به کمال و سعادت اخروی انسان نقش دارد در اختیار بشر قرار دهد. (سروش، سال هشتم، ۹۲/۴۱)

۳- با نگاهی اجمالی به قرآن و روایات درمی یابیم که هدف دین، تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان است و چون امور دنیوی و مناسبات اجتماعی تأثیر شگرفی در روحيات و کمال انسان و تأمین سعادت واقعی وی دارند، دین خاتم هرگز نمی تواند از دخالت در این امور چشم پوشی کند و باید برای آنها برنامه ای جامع ارائه نماید. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۳ق: ۱۵۰) «الدنيا مزرعة الاخرة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۲۵/۷۰) و «اليوم عمل و لا حساب و غداً حساب و لا عمل» (همان، ۳۲/۳۵۴) از

این رو نوع رفتار اجتماعی و سیاسی ای که انسان برمی‌گزیند، به مانند رفتارهای فردی اش، تأثیر قطعی در سعادت و خوشبختی و یا شقاوت و بدفرجامی اخروی او دارد؛ (مصباح یزدی، ۴۲۲ق: ۴۶ - ۵۰) و لذا دینی که علاوه بر مسائل فردی به مسائل اجتماعی انسان و سعادت و هدایت جامعه می‌اندیشد نمی‌تواند نسبت به اجرای احکام و چگونگی اداره‌ی جامعه، تعیین ساختار حکومت، اصل عدالت و قیام به قسط، ایجاد تعاون و امنیت در جامعه و... طرح و نظری نداشته باشد. بنابراین، مقصود از جامعیت دین آن است که در راستای هدف و رسالت خود، رئوس کلی همه‌ی معارف لازم را برای تحقق این هدف در اختیار بشر قرار دهد؛ به گونه‌ای که بشر با تطبیق آن اصول کلی بتواند به صورت نظام‌مند همه‌ی معارف و رهنمون‌های مورد نیاز برای رسیدن به سعادت خویش را به دست آورد. (ربانی گلیپایگانی، ۱۴۲۱ق: ۱۵ - ۱۶)

### ۳- بررسی آیات

آیاتی که بر جاودانگی و جهانی بودن قرآن دلالت دارند که با کمک آنها می‌توان جامعیت دین اسلام را ثابت کرد، عبارتند از:

#### ۳-۱- آیه مهیمن

خداوند در این آیه می‌فرماید: وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَا تَوْشَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَكُنْ لِيُبَلِّغُكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ

فِيهِ تَخْتَلَفُونَ (مائده / ۴۸) این کتاب را هم که به حق بر تو نازل کرده ایم مصدق باقیمانده از کتابهای قبلی و مسلط بر حفظ آنها است پس در بین مسلمانان طبق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و پیروی هوا و هوس آنان تو را از دین حقی که نزدت آمده باز ندارد، برای هر ملتی از شما انسانها، شریعتی قرار دادیم و اگر خدا می خواست همه شما را امتی واحد می کرد- و در نتیجه یک شریعت برای همه ادوار تاریخ بشر تشریح می کرد- و لیکن خواست تا شما امتها را با دینی که برای هر فرد فردتان فرستاده بیازماید، بنا بر این به سوی خیرات از یکدیگر سبقت بگیرید، که باز گشت همه شما به سوی خدا است.

در تفسیر این آیه کریمه مفسران نظراتی را ارائه کرده اند که به آن ها اشاره می شود:

### ۳-۱-۱- برتری و حاکمیت قرآن

«مهیمن» که اسم فاعل از «هَيَمَنَ» به معنای شاهد و ناظر است و نیز به مراقب و محافظی که سلطه و سیطره داشته باشد، می گویند. (مصطفوی، ۱۴۱۶ق: ۱۱/۳۱۷) هیمنه‌ی چیزی بر چیز دیگر، یعنی تسلط در حفظ و مراقبت آن شیء و تسلط در انواع تصرف در آن است، پس خدای سبحان بر جهان مهیمن است و هیمنه او در محو و اثبات چیزی است که مشیتش به آن تعلق گرفته است: (يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ) (رعد/ ۳۹)؛ هیمنه قرآن کریم بر کتاب های انبیای پیشین نیز به اذن خدای تعالی در محو و اثبات است: از نظر سلبی (محو) می تواند ناسخ بعضی از کتاب های آسمانی باشد و از نظر اثباتی (اثبات) حقایق کتاب های پیشین را، تبیین و تثبیت می کند که از آن به تصدیق یاد می شود. قرآن کریم در کنار تصدیق مطالب حق کتاب های آسمانی پیشین، تحریف گری اهل کتاب را نیز افشا می کند و می فرماید: این ها دست نوشته های خود را به نام کتاب الهی قلمداد می

کنند تا بهره اندک دنیا را به دست آورند: «يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا» (بقره / ۷۹) رمز برتری و راز هیمنه داشتن قرآن کریم بر دیگر کتاب های آسمانی با آنکه از نظر نزول از همه متأخر است دو چیز است □ ا. تبیان فراگیر: قرآن کتابی است که یک طرف آن یعنی الفاظ آن، «عَرَبِيٌّ مُبِينٌ» (نحل / ۱۰۳) و در دست مردم است و سوی دیگر آن «لَعَلِّي حَكِيمٌ» (زخرف / ۴) و در دست خداست که اسرار و معارف غیبی و باطنی در درونش نهفته است، پس می تواند روشن کننده همه چیز باشد. دیگر کتاب های آسمانی چنین ویژگی را ندارند. ب. آورنده دین کامل است، زیرا تنها دین مقبول نزد خدا اسلام است «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران / ۱۹)؛ «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران / ۸۵) با وجود اینکه اسلام دین همه پیامبران علیهم السلام است و در خطوط کلی عقاید، اخلاق، احکام، علوم و معارف در همه شرایع آسمانی، یکسان و هماهنگ هستند و تفاوت تنها در منهای و شریعت و آورنده هر یک از آن هاست: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا»، ولی قرآن کریم کامل کننده این دین است «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (آل عمران / ۹۳)، بدین سبب بر دیگر کتاب های آسمانی هیمنه و برتری دارد، چنان که شریعت اسلام بر سایر شرایع هیمنه دارد، پس در عصر حاضر اگر کسی بخواهد اطمینان پیدا کند که مطابق دین مرضی خدا عمل کرده است باید به کتاب و شریعت مهمین (قرآن و اسلام خاص) عمل کند. (جوادی آملی، ۱۴۳۳ق: ۲۲ / ۵۸۴؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۵ / ۵۸۵)

## ۲-۱-۳- احیاء کننده دیگر ادیان

قرآن کریم اصل دین و خطوط کلی آن را که مشترک بین همه انبیا علیهم السلام است معرفی کرده، انبیا و رسولان الهی را شناسانده و خرافه‌ها و تهمت‌ها را که آلوده به افراط و آمیخته به تفریط بود، آشکار ساخته است. قرآن کریم درباره همه انبیا علیهم السلام به ویژه موسی و عیسی علیهم السلام آیات فراوانی دارد که آنان را در نهایت کمال و جلال و شکوه معرفی کرده است. مطهر بودن انبیا و عصمتشان را بیان کرده و آنان را انسان های کامل و خلیفه الله نامیده است و دینشان را الهی و مطابق با عقل دانست و حضرت مریم علیهم السلام را به پاکی ستود و تهمت های ناروای یهود را پا سخ داد و این بانو را برگزیده زنان عصر خود لقب داد: «یا مَرِیْمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران / ۴۲) اجلال قرآن از انبیای ابراهیمی علیهم السلام و معرفی آنان به عنوان مبارزان با بت پرستی و بت فروشی و... سبب شد که غبار اوهام و خرافات از چهره نورانی و ملکوتی آنان زدوده شود و دینشان به صورت زنده در عرصه فکر بشر جلوه کند و کلمات و حکم آنان در دل کتاب ها و کتابخانه ها حک و ثبت شود و این کار سبب ماندگاری آنان شد. (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق: ۴/۳۲۳)

## ۳-۱-۳- امانتدار بودن قرآن

«وَمُهَيِّمِنًا عَلَيْهِ» است یعنی امین و امانت دار است نسبت به آنچه قبل از آن نازل شده، و بر همه ی کتب گذشته شاهد و گواه است. که این وصف خاص قرآن است. اصل مهیمن: موتمن بر وزن مفعیل از امانت است. مانند مهیمن: مسیطر است یعنی تسلط و سیطره دارد. امانت قرآن بر کتب ما قبلش یعنی بر کتب ما قبلش از اهل کتاب، خبر می دهد. پس هر آنچه در قرآن است را تصدیق کنید. (طبرانی، ۱۴۲۹ق: ۴/۳۲۳)



۴۰۷/۲) امانتداری قرآن به این معنی است که مطالب آن کتابها اگر موافق قرآن است باید قبول و اگر مخالف است باید رد کرد. (طبرسی، ۱۴۱۴ق: ۶۲/۷) استدلال دیگر اینکه آمن یؤمن پس آن مؤمن است، آمن یؤمن آن مؤمن به دو همزه است، که همزه اولی قلب به هاء شد، پس مهیمنا شد. «و مَهْمِئِنَا عَلَیْهِ» یعنی آمین بر کتاب هایی که قبل از قرآن نازل شده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۷۲/۱۲)

#### ۴-۱-۳- کتاب تسلط یافته بر پیامبر(ص)

مهیمن در قول مفسران نخستین یعنی تسلط و سیطره مرد هنگامیکه حافظ بر چیزی باشد. همانا کتاب مسلط شده به پیامبر ما و حق را صاحبان خرد می شناسند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۷۲/۱۲)

#### ۵-۱-۳- عدم تحریف در قرآن

همانا قرآن مهیمن بر کتب بود، برای اینکه آن کتابی است که منسوخ نمی شود، و تبدیل و تحریف به آن راه ندارد، بنابر آنچه خداوند فرمود: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (الحجر/ ۹) (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۷۲/۱۲) زمخشری می گوید «و مَهْمِئِنَا عَلَیْهِ» به فتح میم قرائت شده، برای اینکه آن از جانب خداوند تعالی گواه گرفته شده که از تحریف و تبدیل مصون است، و با توجه به قول «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» (فصلت/ ۴۲) مهیمن بر آن، خداوند تعالی می باشد.

#### جمع بندی

در تفسیر آیه مهیمن علامه طباطبائی و جوادی آملی معتقدند قرآن کریم کامل کننده دین است، بر دیگر کتاب های آسمانی هیمنه و برتری دارد یعنی تصدیق کننده کتاب های پیشین است، پس در کنار تصدیق مطالب حق کتاب های آسمانی

پیدایشین، تحریف‌گری اهل کتاب را نیز افشا می‌کند. در نظر طبرسی نیز قرآن کریم امانتدار کتاب‌های پیشینیان است و به حق بودن آن‌ها گواه است یعنی مطالب آن کتاب‌ها را اگر موافق قرآن است، قبول و اگر مخالف است، رد می‌کند. از نظر فخر رازی و طبرانی قرآن کریم نسبت به کتب ماقبلش امانت‌دار است و از کتب ماقبلش خبر می‌دهد. ولی از نظر زمخشری قرآن مهیمن است یعنی تحریف و تبدیل در آن راه ندارد.

### ۲-۳- آیه فطرت

خداوند در آیه ۳۰ سوره روم می‌فرماید: « فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ » پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

مفسران در دلالت آیه کریمه بر جامعیت نظراتی را بیان کرده‌اند:

### ۳-۲-۱- کاملتر بودن قرآن

توصیف این ملت در آیه مورد بحث به وصف «قوم» (قائم‌تر) یا در مقایسه با سایر ملتها است و یا در مقایسه با سایر شریعتها که در اینجا در مقایسه با شریعت‌هایی چون نوح و موسی و عیسی علیه السلام می‌باشد چرا که در مقابل این آیه، آیه دیگری هست که تورات را وسیله هدایت بنی اسرائیل می‌خواند، لذا فرمود: همانا قرآن کریم خلق را به چیزی هدایت می‌کند که قویم‌تر و استوارتر است، در این صورت دلیلش این است که دین حنیف از ادیان سابق خود که کتب انبیاء سلف متضمن آنها بودند کامل‌تر است، زیرا تمامی معارف الهی تا آنجا که بنیه بشری طاقتش را دارد و

همچنین تمامی شرایعی که بشر در زندگی خود بدان نیازمند است در این دین آمده، و حتی یک عمل از اعمال فردی و اجتماعی بشر را بدون حکم نگذاشته است. پس آنچه قرآن به سوی آن هدایت می‌کند قویم‌تر از آن چیز است که سایر کتب و شرایع بدان هدایت می‌کنند. و این بدان جهت است که این دین خیر دنیا و آخرت ملت خود را تامین و تضمین نموده و قائم بر اصلاح حال معاش و معاد ایشان است. و این نیز نیست مگر بخاطر اینکه این دین موافق با مقتضیات فطرت انسانی است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۱۶/ ۲۹۰)

### ۲-۲-۳- همسو با فطرت

با توجه به قول خداوند که می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» باید در مسیر دین حنیف حرکت کرد، مقصود از حنیف در اینجا یعنی باید همچون سالکی مستقیماً در وسط جاده بود، و نباید منحرف به حاشیه‌ها شد و گرنه حنیف می‌شود. «حَنَفٌ» میل الی الوسط است؛ «جَنَفٌ» میل الی الحاشیه است. «فَطُرَتَ اللَّهُ» نیز فطرت منصوب به اغراست یعنی «خدا فطرت الله» از فطرت فاصله نگیرید یا پرهیزید از مخالفت با فطرت «فَطُرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا». خداوند گاهی می‌فرماید فطرت را بگیر، گاهی می‌فرماید دین را بگیر، گاهی می‌فرماید دین عوض‌شدنی نیست گاهی می‌فرماید فطرت، عوض‌شدنی نیست؛ گاهی می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نُزَلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر/۹) گاهی شفاف‌تر از آن درباره فطرت می‌فرماید: «لَا تَبْدِيلَ لِمَ خَلَقَ اللَّهُ» که به صورت نفی جنس است فرمود هیچ تغییری در فطرت انسانی نیست؛ نه دیگری عوض می‌کند چون توان آن را ندارد، نه ما عوض می‌کنیم چون به احسن وجه آفریدیم؛ وجهی ندارد عوض کنیم.

این معنایش این است که اگر این حقیقت و هویت انسان را شما استخراج کنید به صورت حرف در بیاورید می شود دین، اگر این دین را بخواهید به صورت یک هویت خارجی در بیاورید می شود فطرت. پس قرآن کریم یک کتاب جهان شمول است چراکه جامعه بشری را با توجه به فطرت واحدی که بر آن خلق شده اند به وحدت دعوت می کند. (جوادی آملی، درس تفسیر سوره روم، جلسه ۱۴)

### ۳-۲-۳- دین استوار

قول خداوند در آیه کریمه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ» یعنی اعتقاد خود را برای دین خدا استوار گردان، دین خود را خالص بدار؛ زیرا وجه بمعنای چیز یست که انسان به او توجه می کند و عمل انسان و دین او از چیزهایی است که انسان برای برپا داشتن و استحکامش به آن توجه دارد. صحابه نخستین نقل کرده اند: از دین که «فطرت خدا» تو را به آن راهنمایی می کند، پیروی کن. آیه «لَا تَبْدِيلَ لَخَلْقِ اللَّهِ» نیز یعنی تغییری در خلقت پروردگار نبوده و آنچه را اراده فرموده از توحید و عدل و خلوص عبادت برای پروردگار جهان همان خواهد شد و مقصود از «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» خدا پرستی تنها دین استوار و مستقیمی است که واجب الاتباع می باشد. (طبرسی، ۱۴۱۴ق: ۱۹/۱۲۷)

### ۳-۲-۴- دین بدون انحراف

آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لَخَلْقِ اللَّهِ» یعنی امر تبیین شد و وحدانیت خدا آشکار شد، و مشرک هدایت نمی یابد پس تو به آنها توجه نکن و روی خود را به سوی دین برگردان. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ» بر دین توجه کن، به سوی دین رو کن و در قلبت چیز دیگری نباشد. سپس خداوند فرمود: «فِطْرَتَ اللَّهِ». همانا خدا، مردم را بر آن خلق کرد، «لَا تَبْدِيلَ لَخَلْقِ اللَّهِ» مردم را به

ثبات بر آن امر کرده و تغییری نمی‌کند؛ آن را به شرک تبدیل نکنید. سپس خداوند تعالی می‌فرماید: «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»، چیزی که کجی و انحراف در آن راه ندارد؛ «وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» که آن دین مستقیم است. (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۲۵/۹۹).

### جمع بندی

در تفسیر آیه فطرت از نظر علامه طباطبائی و جوادی آملی آنچه قرآن به سوی آن هدایت می‌کند قویم‌تر از آن چیزی است که سایر کتب و شرایع بدان هدایت می‌کنند زیرا تمامی شرایعی که بشر در زندگی خود بدان نیازمند است در این دین آمده، و حتی یک عمل از اعمال فردی و اجتماعی بشر را بدون حکم نگذاشته است. از نظر طبرسی «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ» یعنی اعتقاد خود را برای دین خدا استوار گردان. البته بعضی دیگر گفته‌اند: عمل خویش را برای خداوند استوار بدار. در نظر طبرانی آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا»، از هر دینی جز اسلام دوری کنید. که «الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» خدا مؤمنین را بر اساس آن خلق کرد. «لَا تَبْدِيلَ لِمَ خَلَقَ اللَّهُ» مردم را به ثبات بر آن امر کرده و تغییری نمی‌کند؛ آن را به شرک تبدیل نکنید. و از نظر فخر رازی تفسیر آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِمَ خَلَقَ اللَّهُ» یعنی امر تبیین شد و وحدانیت خدا آشکار شد، و مشرک هدایت نمی‌یابد پس تو به آنها توجه نکن و روی خود را به سوی دین برگردان.

### ۳-۳- آیه صدق و عدل

خداوند در آیه ۱۱۵ سوره انعام می‌فرماید: «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» و سخن پروردگارت به راستی و داد، سرانجام گرفته است؛ و هیچ تغییر دهنده‌ای برای کلمات او نیست؛ و او شنوای داناست. مفسران در تفسیر آیه شریفه نظراتی را بیان کرده‌اند که در ذیل مطالب به آن‌ها اشاره می‌شود:

#### ۱-۳-۳- کمال دین

مراد از تمامیت کلمه به صدق و عدل در: «تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ...» کمال یافتن شرایع، با تشریح شریعت اسلام است. پس مراد از «تمامیت کلمه» اینست که «کلمه» یعنی ظهور دعوت اسلامی با نبوت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و نزول قرآن که ما فوق همه کتابهای آسمانی است پس از آنکه روزگاری دراز در مسیر تدریجی نبوتی پس از نبوت دیگر و شریعتی پس از شریعت دیگر سیر می‌کرد به مرتبه ثبوت رسیده در قرارگاه تحقق قرار گرفت، زیرا به دلالت آیات کریمه، شریعت اسلامی به کلیات شرایع گذشته مشتمل است و زیادت بر آنان نیز دارد، چنان که خدای تعالی می‌فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى» (شوری/ ۱۳) از این بیان روشن شد که مراد از «تمامیت کلمه» رسیدن شرایع آسمانی است از مراحل نقص و ناتمامی به مرحله کمال، و مصادقش همین دین محمدی است. خدا می‌فرماید: «وَاللَّهُ مَتِّمٌ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». (صف/ ۹) جمله: «لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ» نسبت به «صدق و عدل» به منزله تعلیل می‌باشد. در آیه «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ» صحابی نخستین معتقدند قرآن مجید به نحوی کامل است که

کسی نمی‌تواند چیزی بر آن بیفزاید یا از آن کم کند. در نظر برخی دیگر یعنی قرآن تدریجاً نازل شده تا به مقتضای حکمت، کامل شده است. همچنین قرآن در بیان آنچه که مکلفین به آن احتیاج دارند تا قیام قیامت از نظر عمل و علم کفایت می‌کند. (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۷، ۴۶۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۳ / ۱۲۵)

### ۲-۳-۳- تغییر ناپذیری دین الهی

با توجه به آیه، عبارت «لَا مُبَدَّلَ» به عنوان نفی جنس هرگونه تبدیلی را نفی می‌کند چه اینکه در بخش‌هایی دیگر می‌فرماید: «لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ» یا «لَا تَبْدِيلَ لِسُنَّةِ اللَّهِ» در اینجا تبدیل را به نحو نفی جنس منتفی می‌داند اینکه فرمود هیچ تبدیلی نیست برای اینکه مبدل یا خداست یا غیرخدا، خدا تبدیل نمی‌کند چون «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ» این بهترین سخن است از این زیباتر ممکن نیست محتوایش حق است لفظش حق است محتوایش احسن المضامین است لفظش احسن الالفاظ است تغییر نمی‌دهد؛ غیرخدا هم که قدرت ندارد لذا به عنوان نفی جنس فرمود: «لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ» بنابراین این کلمه‌ای که تام است و تغییرناپذیر است آن خطوط کلی دین است و ثابت است «تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ» گاهی هم این کلمه بر اصول مشترک بین مسیحیت و یهودیت و اسلام اطلاق می‌شود. (جوادی آملی، ۱۴۳۳ق، سایت اسراء، درس تفسیر، ج ۱۱۰)

### ۳-۳-۳- ظهور دعوت اسلامی

مراد از تمامیت کلمه، ظهور دعوت اسلامی و لوازم آن از قبیل نبوت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و نزول قرآن و امامت ائمه اهل بیت علیه السلام است (طبرسی، ۱۴۱۴ق: ۸ / ۲۴۱)

### ۳-۳-۴- واجب شدن قول پروردگار

در کلام خداوند عز و جل که می‌فرماید: «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ» از نظر اهل کوفه و یعقوب «کلمه» بر توحید دلالت دارد. بقیه قاریان «کلمات» قرائت کرده‌اند. یعنی الزام حجت بر وجه حکمت تمام شد و در آن نقصی نمی‌باشد. و «لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ» یعنی برای حکمش و دینش تغییری نیست. پس همانا یهود و نصاری، اگر تورات و انجیل را تغییر دهند، برای ایشان ممکن نیست که حکمی بیاورند تا جایگزین حکم الهی شود. از نظر بعضی مفسران معنی «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ» یعنی قول پروردگارت واجب شد، چراکه او یاری دهنده محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد و همانا سرانجام کار برای او صدق و عدل است. (طبرانی، ۴۲۹ق: ۳/ ۷۸)

پس از نظر علمای اهل سنت قرآن در بیان آنچه که مکلفین به آن احتیاج دارند تا قیام قیامت از نظر عمل و علم کفایت می‌کند.

### جمع بندی

در تفسیر آیه صدق و عدل، علامه طباطبائی و جوادی آملی معتقدند مراد از تمامیت کلمه به صدق و عدل در: «تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ...» رسیدن شرایع آسمانی است از مراحل نقص و ناتمامی به مرحله کمال، با تشریح شریعت اسلام است. البته جوادی آملی معتقد است گاهی «تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ» بر اصول مشترک بین مسیحیت و یهودیت و اسلام اطلاق می‌شود. طبرسی معتقد است، مراد از تمامیت کلمه، ظهور دعوت اسلامی و لوازم آن از قبیل نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و نزول قرآن و امامت ائمه اهل بیت علیه السلام است. پس از نظر علمای اهل سنت قرآن در بیان آنچه که مکلفین به آن احتیاج دارند تا قیام قیامت از نظر عمل و علم کفایت می‌کند.



#### ۴- نتیجه گیری

در تفسیر آیه مهیمن، علامه طباطبائی و جوادی آملی معتقدند قرآن کریم کامل کننده دین است، بر دیگر کتاب‌های آسمانی هیمنه و برتری دارد یعنی تصدیق کننده کتاب‌های پیشین است، پس در کنار تصدیق مطالب حق کتاب‌های آسمانی پیشین، تحریف‌گری اهل کتاب را نیز افشا می‌کند. در نظر طبرسی نیز قرآن کریم امانت‌دار کتاب‌های پیشین است و به حق بودن آن‌ها گواه است یعنی مطالب آن کتاب‌ها را اگر موافق قرآن است، قبول و اگر مخالف است، رد می‌کند. از نظر فخر رازی و طبرانی قرآن کریم نسبت به کتب ماقبلش امانت‌دار است و از کتب ماقبلش خبر می‌دهد. ولی از نظر زمخشری قرآن مهیمن است یعنی تحریف و تبدیل در آن راه ندارد.

در تفسیر آیه فطرت از نظر علامه طباطبائی و جوادی آملی آنچه قرآن به سوی آن هدایت می‌کند قویم‌تر از آن چیز است که سایر کتب و شرایع بدان هدایت می‌کنند زیرا تمامی شرایعی که بشر در زندگی خود بدان نیازمند است در این دین آمده، و حتی یک عمل از اعمال فردی و اجتماعی بشر را بدون حکم نگذاشته است. از نظر طبرسی «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ» یعنی اعتقاد خود را برای دین خدا استوار گردان. البته بعضی دیگر گفته‌اند: عمل خویش را برای خداوند استوار بدار. در نظر طبرانی آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا»، از هر دینی جز اسلام دوری کنید. که «الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» خدا مؤمنین را بر اساس آن خلق کرد. «لَا تَبْدِيلَ لَخَلْقِ اللَّهِ» مردم را به ثبات بر آن امر کرده و تغییری نمی‌کند؛ آن را به شرک تبدیل نکنید. و از نظر فخر رازی تفسیر آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ

لَخَلَقِ اللَّهُ» یعنی امر تبیین شد و وحدانیت خدا آشکار شد، و مشرک هدایت نمی یابد پس تو به آنها توجه نکن و روی خود را به سوی دین برگردان.

در تفسیر آیه صدق و عدل، علامه طباطبائی و جوادی آملی معتقدند مراد از تمامیت کلمه به صدق و عدل در: «تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ...» رسیدن شرایع آسمانی است از مراحل نقص و ناتمامی به مرحله کمال، با تشریح شریعت اسلام است. البته جوادی آملی معتقد است گاهی «تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ» بر اصول مشترک بین مسیحیت و یهودیت و اسلام اطلاق می شود. طبرسی معتقد است، مراد از تمامیت کلمه، ظهور دعوت اسلامی و لوازم آن از قبیل نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و نزول قرآن و امامت ائمه اهل بیت علیه السلام است. پس از نظر علمای اهل سنت قرآن در بیان آنچه که مکلفین به آن احتیاج دارند تا قیام قیامت از نظر عمل و علم کفایت می کند.

## فهرست منابع

\*قرآن کریم

\*انجیل

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
- ۲- ایازی، محمد علی (۱۴۲۰ق)، جامعیت قرآن، رشت، انتشارات کتاب مبین، چاپ اول.
- ۳- جمعی از نویسندگان (۱۴۲۳ق)، در آمدی بر مبانی اندیشه ی اسلامی، قم، مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام (رحمه الله).
- ۴- جوادی آملی، (۱۴۳۳ق)، تفسیر تسنیم، مرکز نشر اسراء، سوم، قم.
- ۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.
- ۶- ربانی گلپایگانی، علی، (۱۴۲۱ق)، جامعیت و کمال دین، تهران، مؤسسه ی فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۷- زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، چاپ بیروت.
- ۸- سروش، عبدالکریم، کیان، «دین اقلی و اکثری»، سال هشتم، ش ۴۱.
- ۹- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- ۱۰- طبرانی، سلیمان بن احمد، (۱۴۲۹ق)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، ۶جلد، دار الكتاب الثقافی، اردن، اربد، چاپ ۱.

- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۴ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.
- ۱۲- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ۳۲ جلد، دار احیاء التراث العربی، لبنان، بیروت، چاپ ۳.
- ۱۳- فولادوند، محمدمهدی، (۱۴۱۸ق)، ترجمه قرآن (فولادوند)، ۱ جلد، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی - ایران - تهران، چاپ: ۳.
- ۱۴- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۵- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۴۲۲ق)، نظریه ی سیاسی اسلام، قم، مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، چاپ اول.
- ۱۶- مصطفوی، حسن، (۱۴۱۶ق)، التحقیق فی کلمات القرآن، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- ۱۷- مالکی نجفی، جعفر بن خضر؛ (۱۴۲۲ق)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط — الحدیثه)، ۴ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول.

### سایت:

جوادی آملی، درس تفسیر، سایت علوم و حیانیه اسراء.